

جغرافیای شهری پیشرفته

(جلد ۳: کاربردها و ابزارها)

محمود شوریجه

www.ketab.ir



انتشارات پرهام نقش

۱۳۰۰

سرشناسه	: شورجه، محمود.
عنوان و نام پدیدآور	: جغرافیای شهری پیشرفته/ محمود شورجه.
مشخصات نشر	: تهران: پرهام نقش، ۱۴۰۰.
مشخصات ظاهری	: ج ۳.
شابک	: ج. ۱: ۹۷۸-۶۰۰-۶۱۲۶-۹۰۶؛ ج. ۲: ۹۷۸-۶۰۰-۶۱۲۶-۹۱۳؛ ج. ۳: ۹۷۸-۶۰۰-۶۱۲۶-۹۲۰
وضعیت فهرست‌نویسی	: فیبا
یادداشت	: کتابنامه
مندرجات	: ج. ۱. مفاهیم، نظریه‌ها و زمینه‌های تاریخی؛ ج. ۲. ساختارها و بویایی‌های درون و بین شهری؛ ج. ۳. کاربردها و ابزارها
موضوع	: جغرافیای شهری
موضوع	: Urban geography
رده‌بندی کنگره	: GF۱۲۵
رده‌بندی دیویی	: ۳۰۷/۷۶
شماره کتابشناسی ملی	: ۸۴۰۷۵۴۶

www.ketab.ir



انتشارات پرهام‌نقش

جغرافیای شهری پیشرفته (جلد ۳: کاربردها و ابزارها)

نویسنده: دکتر محمود شورجه

ناشر: پرهام‌نقش

شمارگان: ۳۰ نسخه

نوبت و تاریخ انتشار: اول، ۱۴۰۰

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۶۱۲۶-۹۲۰

قیمت: ۱۴۵۰۰۰ تومان

© کلیه حقوق چاپ و نشر این اثر برای ناشر محفوظ است.

مراکز پخش و فروش:

کابفروشی پرهام، خیابان انقلاب، ابتدای خیابان ۱۲ فروردین، پلاک ۲۹۷، تلفن: ۶۶۴۶۸۲۳۵

انتشارات سیمای دانش: ۶۶۴۶۴۷۷۹

فهرست مطالب

۵

پیش‌گفتار

۱۳

فصل ۷: جغرافیای شهری کاربردی

۱۳

مقدمه

۱۵

جغرافیای شهری کاربردی؛ درختی با ریشه‌های عمیق

۲۵

پیوندهای تاریخی جغرافیای شهری با برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری

۳۱

فصل ۸: برنامه‌ریزی

۳۱

مقدمه

۳۳

جغرافیای شهری و برنامه‌ریزی شهری

۵۴

مدل‌های اصلی در نظریه برنامه‌ریزی

۶۳

مدل‌های اصلی در برنامه‌ریزی شهری

۷۸

اصول هنجاری و اخلاقی در برنامه‌ریزی

۹۵

جغرافیای شهری و برنامه‌ریزی منطقه‌ای

۱۲۲

مدل‌های اصلی در برنامه‌ریزی منطقه‌ای

۱۲۹

برنامه‌ریزی شهرک‌های جدید

۱۴۵

جغرافیای شهری و برنامه‌ریزی فضایی

۱۶۷

مدل‌های اصلی در برنامه‌ریزی فضایی

۱۷۲

مدل‌های اصلی در برنامه‌ریزی کاربری زمین

۱۸۱

جغرافیای شهری و برنامه‌ریزی محیطی

۲۰۷

برنامه‌ریزی مخاطرات محیطی در جغرافیای شهری

۲۱۸

فصل ۹: مدیریت و حکمروایی

۲۱۸

مقدمه

۲۱۹

جغرافیای شهری و مدیریت شهری

۲۳۶

جغرافیای شهری و مدیریت رشد

«جغرافیای شهری پیشرفته نه تنها درباره تفاوتی است که جغرافیا در شهرها ایجاد می‌کند، بلکه همزمان معطوف به برنامه‌ریزی و مدیریت پایدار و پاسخگویی در برابر (باز)تولید فضاها و نابرابر، محرومیت‌ساز و مخرب محیط زیست است».

پیش‌گفتار

پس از ارائه رویکردها و تشریح موضوعات اصلی «جغرافیای شهری پیشرفته» در دو جلد پیشین، در این جلد سوم به عرصه‌های گوناگون کاربرد پژوهش‌های شهرشناسی جغرافیدانان در زمینه برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری شهری پرداخته شده است. «جغرافیای شهری کاربردی»، ارائه‌دهنده رویکردی کاربر-مبنا و برنامه-گراست که آن را از پژوهش‌های جغرافیایی دانش-مبنا و کنجکاوی-گرا درباره شهر متمایز می‌سازد. جغرافیای شهری کاربردی بر ربط اجتماعی پژوهش جغرافیای شهری و ارزش نگرش فضایی در حل مسائل و مشکلات شهری امروزی تأکید دارد. یکی از ویژگی‌های اصلی جغرافیای شهری کاربردی، دآوری‌ها و ارزش‌گذاری‌هایی است که درباره دانش تولیدشده در آن صورت می‌گیرد. در این میان، همواره رابطه‌ای متقابل بین پژوهش‌های شهری در جغرافیای دانشگاهی و رباط‌ها و مصرف‌های اجتماعی آن در عرصه‌های غیر-دانشگاهی، و در حوزه‌های عمومی و خصوصی وجود داشته است. این رابطه همچنین بیان‌گر مسائلی بوده که بر نیاز به رویکردی کاربردی در پژوهش‌های جغرافیایی از شهرها تأکید دارد.

جغرافیای شهری کاربردی بر به‌کارگیری و استفاده از نتایج و یافته‌های پژوهش‌های جغرافیای شهری در زمینه ابعاد فضایی و مکانی شهر تمرکز داشته است. این نتایج و یافته‌های کاربردی، مبنایی برای ارائه یک‌سری اقدامات پیشنهادی در عمل برای مشتریان (عمومی و خصوصی) بوده است. جغرافیای شهری کاربردی درون-و-بیرون از شرایط دانشگاهی رشد یافته و اغلب به عنوان پلی میان دیدگاه‌های دانشگاهی و غیر-دانشگاهی عمل کرده است. برخی بین پژوهش دانشگاهی (کنجکاوی‌گرا) و پژوهش کاربردی (مشتري‌گرا) تمایز قائل شده‌اند. خواه مبنای پژوهش، دانشگاه یا غیر-دانشگاه باشد، به هر رو، جغرافیای شهری زمانی به کار گرفته می‌شود که پژوهش آن، عهده‌دار حل مسأله‌ای در دنیای واقعی برای یک مشتری می‌شود؛ مسأله موردنظر می‌تواند درک الگوها و فرایندهای فضایی یک شهر و یا پیش‌بینی و مکان‌یابی یک پدیده در فضای شهری باشد و مشتری نیز می‌تواند یک خرده‌فروش، گروه اجتماعی دریافت‌کننده اثرات نابرابر در فضا، فرد و یا سازمانی باشد که نیازمند دست‌یابی به راه‌حل‌هایی بایسته برای مسأله‌ای جغرافیایی است.

به هر رو، نتایج و دستاوردهای پژوهشی و راه‌حل‌های پیشنهادی در جغرافیای شهری کاربردی می‌تواند به اشکال مختلف ارائه و مورد استفاده قرار بگیرد. برای نمونه، نتایج یک پژوهش کاربردی در جغرافیای شهری

ممکن است، ورودی لازم برای طراحی یک محصول جدید، تدوین راهبردی برای ارائه محصولی جدید، و یا مجموعه‌ای از شناخت‌ها، پیش‌بینی‌ها، توصیه‌ها و پیشنهادهایی باشد که برای تصمیم‌سازی در برنامه‌ریزی یا سیاست‌گذاری مورد استفاده قرار می‌گیرد. البته بحث و مناقشه درباره اینکه جغرافیای شهری کاربردی دقیقاً چیست و یا چه باید باشد، همچنان ادامه دارد. به‌رغم وجود چنین تفاوت‌هایی، آنچه به جغرافیای شهری کاربردی وحدت می‌بخشد، تأکید بر «دانش مفید» است. این دانش مفید می‌تواند گاهی برای اهداف پیش‌بینی دنیای تجربی با استفاده از روش‌های علمی پوزیتیویستی، گاهی برای تفسیر معنای جهان از طریق بررسی انگیزه‌ها و اندیشه‌های موجود در پس‌کنش‌هایی که دنیای تجربه را تولید می‌کند، و یا گاهی روشنگری و افشای واقعیت‌های حاکم بر جامعه (که ممکن است پنهان شده باشد) و تشویق مردم برای ایجاد دگرگونی عملی (پراکسیس) در جامعه باشد.

جغرافیای شهری کاربردی دانشگاه-محور، از نظر گستره و مقیاس، محدودتر از جغرافیای شهری کاربردی جامعه-محور است؛ به طوری که در پژوهش‌های کاربردی دانشگاهی، یک مبنای نظری و تجربی برای پژوهش پیش‌فرض گرفته می‌شود، اما جغرافیای شهری کاربردی جامعه-محور یا غیر-دانشگاهی-محور، در فرهنگ‌های کسب و کار، بدنه‌های حاکمیتی و غیر-حاکمیتی رخ می‌دهد که مبتنی بر تعیین نقش‌های به‌شدت تخصصی برای افراد در به‌کارگیری دانش و مهارت‌ها در حل مسائل و مشکلات موردنظر است. در اینجا، وجود تفاوت‌های موجود بین مراکز عمل و اجرا، شکل‌دهنده نوع نگاه به پژوهش و تعیین‌کننده الزامات گسترده‌تر غیر-پژوهشی و در نتیجه، بروز دیدگاه‌های متفاوت در اجراست.

در جغرافیای شهری کاربردی، ارزشی که به دانش تولیدشده داده می‌شود بسیار اهمیت دارد. جغرافیای شهری کاربردی در پی تولید دانش مفیدی است که به حل مسائلی خاص برای یک مشتری خاص کمک کند. همچنین، اهداف یک پژوهش کاربردی در جغرافیای شهری می‌تواند با پژوهش‌های پایه‌ای آن متفاوت باشد، با وجود این، مرز بین این دو همواره مشخص نیست. ارزش «دانش مفید» می‌تواند یکی از معیارها برای روشنگری در تفاوت‌های موجود بین این دو رویکرد به پژوهش در جغرافیای شهری باشد. بی‌تردید، توجه به «آینده» و «پیش‌بینی» یکی از مؤلفه‌های کلیدی در جنبه‌های کاربردی پژوهش‌های جغرافیای شهری است. این موضوع، به‌ویژه از دهه ۱۹۶۰ به بعد، در کانون توجه جغرافیدانان قرار داشته است.

جغرافیای شهری کاربردی می‌تواند به معنای به‌کارگیری دانش و مهارت‌های جغرافیای شهری در تغییر و مدیریت فضا و حل مسائل اجتماعی، اقتصادی و محیطی مرتبط با آن باشد. هدف اصلی پژوهش در جغرافیای شهری کاربردی، ارائه مبنایی برای برنامه‌ریزی اقدامات به‌شکلی مؤثر و حل‌کننده مشکل است. پژوهشگر شهری کاربردی در جغرافیا ارائه‌دهنده مسیریابی برای عمل و مشارکت در اجرا و پایش برنامه‌ها و سیاست‌هاست. از نظر برخی، جغرافیای شهری کاربردی به طور کلی شامل سه گام اصلی، «گردآوری داده و اطلاعات»، «تجزیه و

تحلیل»، «پیش‌بینی و ارزیابی» و «اجرا و پایش» است؛ از نظر برخی دیگر، شامل «پیمایش و نقشه‌برداری»، «تعریف مسأله»، «تحلیل مسأله»، «فرمول‌بندی راه‌حل‌ها و راهبردها»، «انتخاب راهبرد»، «اجرای راهبرد» و «ارزیابی راهبرد» است. البته در میان مؤلفه‌های این سیستم، بازخوردهای آشکاری وجود دارد. به طور کلی، مسائلی که در جغرافیای شهری کاربردی مورد توجه قرار می‌گیرد، شامل مسائلی است که «در» شهرها وجود دارند و به-ویژه مسائلی که «از» شهرها بوجود می‌آیند.

در جغرافیای شهری کاربردی بر چند محور اصلی بیشترین مباحث و تحلیل‌ها صورت گرفته است: نخست مسأله «ارزش‌های اخلاقی و ایدئولوژی‌های سیاسی» که به شکل آگاهانه و ناآگاهانه زیربنای پژوهش‌ها را شکل می‌دهد. این محور یکی از مباحث مناقشه‌آمیز (به‌ویژه در دو طیف لیبرال-رادیکال) بر سر کارایی یا سودمندی جغرافیای شهری کاربردی در تحول شرایط موجود به سمت شرایط بهتر بوده است؛ محور دوم، «رابطه بین نظریه و عمل» است؛ به‌طوری که جغرافیای شهری در هر دوره‌ای، بین دو طیف پژوهش‌های محض (نظری) و کاربردی (عملی) در نوسان بوده است. در این زمینه، حرکت به سمت هر سو از این طیف، زیر فشارها و الزامات موجود در کلیت جامعه قرار داشته است. برای نمونه، در دوره‌ای که تأکید بر جنبه‌های کاربردی است، جغرافیای شهری بر توسعه مداوم در مدل‌ها و تکنیک‌های پیش‌بینی و همچنین نقش بالقوه و واقعی جغرافیای شهری کاربردی برای تصمیم‌سازی در بخش‌های عمومی و خصوصی تمرکز و توجه داشته است؛ هرچند همواره باید به این نکته توجه داشت که در دوره‌های کاربردی، به‌رغم تمرکز بر حل مسأله، جغرافیای شهری کاربردی هیچ‌گاه نمی‌توانسته در یک خلاء نظری وجود داشته باشد.

محور سوم، «مفهوم شهری» است؛ به طوری که از نظر برخی نظریه‌پردازان، گرچه ما در حال تجربه سطوح بالایی از شهری‌شدن و رشد شهری هستیم، اما مفهوم «شهری» به عنوان یک ایزه متمایز و مشخص تحلیل، دیگر اعتبار ندارد. به بیان دیگر، در یک جامعه شهری‌شده، امر شهری در همه جا و هیچ‌جاست؛ از این رو شهر نمی‌تواند تعریف شود. چنین دیدگاهی، بیان‌گر یک مسأله خاص برای جغرافیدانان شهری کاربردی است. برای حل این مشکل، باید بین امر «شهری» به عنوان ایزه تحلیل و «شهر» به عنوان منشا نظریه اجتماعی تمایز ایجاد کرد. اکثر جغرافیدانان شهری نسبت به این موضوع آگاه هستند که اهمیت «شهری» از نظر جامعه‌شناختی محدود می‌شود؛ زیرا شهرک‌ها و شهرها در نهایت خروجی و برآیند نیروهای اجتماعی عام‌تر نگریسته می‌شود و فرم (الگو) خروجی در مقایسه با فرایند (نیرو) از اهمیت کمتری برخوردار می‌شود.

این در حالی است که از نظر جغرافیدانان شهری، رد شهریت به عنوان مبنایی جداگانه برای تبیین و ساخت نظریه هیچ‌گاه به معنای نادیده گرفتن اهمیت آن به عنوان یک مکان نیست. مکان، از اهمیتی بنیادین برخوردار است، دست‌کم به دلیل آنکه اکثر فعالیت‌های مردم درون مکان رخ داده و یا به منشور فضا-زمان خاصی محدود

می‌شود. از نگاه جغرافیدانان شهری، مکان‌های شهری، اهمیت ویژه‌ای در دنیای مدرن دارند. برای اکثر مردم، شهر مکان فعالیت‌هایشان است و اثر تصمیمات سیاست ملی اغلب از طریق نهادهای محلی و مدیریت‌های محلی به مردم می‌رسد. شهرها، تمرکزی از قدرت اقتصادی و سیاسی هستند. مجاورت فضایی و مکانی، جزء ویژگی‌ها و کیفیت‌های منحصر به فرد شهری است. تمرکزپایی شدید مردم در شهر، اثرات تعیین‌کننده‌ای بر شبکه‌ها و سرمایه‌های اجتماعی و شکل‌گیری خرده‌فرهنگ‌ها و عاملیت‌های مدنی است. کسب و کارهای اقتصادی نیز ممکن است از مزیت‌های همکاری، صرفه‌های اقتصادی و اثراتی همجواری و سرریزپذیری دانش، برای نمونه در نتیجه‌ی موقعیت مکانی نزدیک شهر به بازارها، نیروهای کار یا کسب و کارهای مرتبط باهم بهره‌مند شوند. البته، به همان میزان نیز، مجاورت می‌تواند سبب ایجاد تعارض و بروز مسائل شهری از طریق تعارض در منافع، مسأله کالاهای عمومی، شلوغی بیش از حد، اثرات خارجی منفی کاربری‌های زمین و ترافیک شود که مدیریت، برنامه‌ریزی و مداخله در فضای شهری را تبدیل به امری اجتناب‌ناپذیر ساخته است.

محور چهارم، «سودمندی دیدگاه فضایی» است؛ به طوری که نقش بُعد فضایی به عنوان یک عامل علی (عاملیت فضایی) در علوم اجتماعی سبب شکل‌گیری مباحث بسیاری شده است. در دو طیف نهایی این مباحث، برخی اساساً هیچ نقش مستقلی برای فضا در ایجاد یا تولید پدیده‌ها و مسائل اجتماعی، اقتصادی و سیاسی قائل نیستند اما برای برخی دیگر، فضا قوانینی را به شکل جبری اعمال نموده و از این طریق بر الگوهای فعالیت انسان (در ابعاد مختلف) اثر می‌گذارد. با وجود این، از دهه ۱۹۷۰ به بعد، رویکردهای برساختی به فضا، تحلیل عاملیت فضا و ربط دیدگاه فضایی را در درکی گسترده‌تر از روابط و مسائل اجتماعی-فضایی قرار داده است؛ به طوری که امروزه این ایده مطرح است که درست همان‌طور که هیچ فرایند صرفاً فضایی وجود ندارد، هیچ فرایند صرفاً اجتماعی نیز وجود ندارد؛ آنها به شکل متقابل همدیگر را تولید و بازتولید می‌کنند.

در این زمینه، گذار از درک فضا همچون یک «ظرف» از پیش موجود که سایر پدیده‌ها و رویدادها در آن جای گرفته‌اند به درک فضا به عنوان «روابط» بین پدیده‌ها، پویایی‌ها، کنش‌ها و عاملیت‌های مختلف از اهمیتی بنیادی برخوردار است. برای نمونه، دیدگاه اکثر جغرافیدانان شهری کاربردی آن است که فضا صرفاً ظرف یا واسطه‌ای نیست که در آن فرایندهای اجتماعی، اقتصادی و سیاسی عمل می‌کند، بلکه خودش دارای اهمیتی علی است (یعنی از عاملیت برخوردار است). مؤلفه‌های فضا (مانند اندازه، تراکم، فاصله، مسیر، قلمرو) همگی اثرات مهمی بر توسعه شهری و کنش متقابل در شهر دارند. فاصله و مسیر دارای اثری مستقیم بر شبکه‌های اجتماعی، سفرهای شغلی و دسترسی فیزیکی به خدمات وابسته به مکان است. اندازه و تراکم توسعه‌های مسکونی با بروز رفتار منحرف و آسیب‌شناسی اجتماعی رابطه دارد. مفهوم قلمرومندی سبب تولید قلمروبندی‌های از هم گسسته در شهرها، جدایی‌گزینی‌های فضایی در بین گروه‌های قومی، مذهبی و طبقاتی و در نتیجه ایجاد نابرابری و شکاف

اقتصادی-اجتماعی در شهر می‌شود. افزون بر این، بسیاری از پدیده‌ها (نظیر دانش، سرمایه، نوآوری و خلاقیت، تعارض و کشمکش و نظایر آن) صرفاً درون فضاها رخ نمی‌دهند، بلکه از طریق برخوردگاه‌های فضایی- مکانی بوجود می‌آیند. و در نهایت، فرایندهای کنش محلی در فضاهای اجتماعی می‌تواند دلالت‌های مهمی برای میزان برخورداری و محرومیت گروه‌های جمعیتی داشته باشد.

بر این اساس، فضا برای عمل جغرافیای شهری کاربردی، زمینه اصلی در پیش گرفتن رویکرد مسأله-محور و تمرکز بر مسائل آشکار و فرمول‌بندی راه‌حل‌های خاص برای موقعیت‌های خاص مکانی است. لازم به یادآوری است که برای اکثر دولت‌ها، حل مسائل شهری نیازمند داشتن نگاهی فضایی بوده است، به طوری که از نظر جغرافیدانان شهری کاربردی، کمتر جنبه‌ای از سیاست عمومی را می‌توان یافت که دارای دلالت‌های فضایی نباشد. محور پنجم، «بحث ساختار- عاملیت» است. منشا این بحث در جغرافیا به نقد رویکردهای ساختارگرا از رویکردهای انسان‌گرا بازمی‌گردد. مسأله کانونی در این زمینه، شیوه‌های کلیت‌گرا در تبیین است که پیش‌فرض می‌گیرد، همه رویدادهای اجتماعی لزوماً بر پایه کنش‌های آزادانه و آگاهانه افرادی که در آن مشارکت دارند صورت نمی‌گیرد. در مقابل، این ایده مطرح است که هرچند نمی‌توان وجود محدودیت‌های ساختاری بر عاملیت انسان را انکار کرد، اما همچنین نباید نقش آگاهانه انسان را در تحول ساختارها نادیده گرفت. در این میان، رویکردهای رئالیسم انتقادی، نظریه ساختاربندی و نظریه کنش کوشیده‌اند بین ساختار و عاملیت نوعی پیوند برقرار سازند.

محور ششم، «مسأله روش‌شناسی» است؛ به طوری که افزون بر مسأله هستی‌شناسی و شناخت‌شناسی، وجود دانشی دقیق در زمینه روش‌شناسی، اهمیتی بنیادین در جغرافیای شهری کاربردی دارد. در این میان، اگر انتخاب در روش‌شناسی ضعیف باشد، آنگاه سودمندی‌های نتایج پژوهش و پیش‌بینی‌ها نیز ضعیف خواهد بود. بنابراین، جعبه ابزار جغرافیدان شهری کاربردی باید شامل انواع بسیار متنوعی از روش‌ها و تکنیک‌ها، طیفی از رویه‌های کارتوگرافیکی رایج تا تحلیل‌های چندمتغیره کامپیوتر-مبنا و به کارگیری هر دو رویکردهای عینی و ذهنی باشد.

محور هفتم، «سطوح تحلیل» است. در این زمینه، بحث شیوه‌ها و رویه‌های مداخله در جغرافیای شهری کاربردی، همچنین با مباحثی بر سر مناسب‌ترین مقیاس تحلیل همراه بوده است؛ زیرا آنچه در یک مقیاس می‌تواند توجیه عملی داشته باشد (نظیر احداث کارخانه‌های صنعتی برای اشتغال کارگران محلی) در مقیاس دیگری توجیه عملی نداشته باشد (نظیر مسأله تغییر اقلیم جهانی در نتیجه وجود کارخانه‌های صنعتی). افزون بر این، روابط بین ساختارهای فضامند اجتماعی-اقتصادی و سیاسی ملی در سطح میان-شهری با الگوها و فرایندهای فضایی درون-شهری بسیار پیچیده است. برای نمونه، فرم فضایی نواحی شهری بازتاب‌دهنده کنش و واکنش پیچیده‌ی

طیف متنوعی از عوامل است که برخی از آنها درونی و برخی دیگر بیرونی هستند. از نگاه جغرافیدانان شهری کاربردی، تفاوت‌های موجود در شرایط محل و توپوگرافی محلی، مرحله توسعه، سیاست‌های دولت، ترکیب خاص تصمیمات افراد، شرکت‌ها و گروه‌های سیاسی، ویژگی‌های اجتماع محلی و ترجیحات درون هر یک از نواحی شهری، اثراتی بنیادین بر شیوه‌های تبدیل نیروهای کلان اجتماعی، اقتصادی و سیاسی به الگوهای خاص شهری و وضعیت زندگی در آنها دارد. به بیان دیگر، نه تنها ویژگی‌های متفاوت در بین مکان‌ها بلکه همچنین سازمان‌یابی فضایی روابط بین آنها از اهمیتی اساسی برخوردار است.

در این زمینه، چارچوب‌بندی سطوح تحلیل می‌تواند شامل این موارد باشد: سطح نخست، که هدف اصلی پژوهش در این سطح، کشف یا افشای ساختار پایه صورت‌بندی اجتماعی (تعریف‌شده بر حسب یک کلیت اجتماعی مرکب از شیوه تولید و ساختارهای منطبق با آن مانند قانون، اخلاق، مذهب و سیاست) است؛ سطح دوم، که توجه آن معطوف به شیوه‌هایی است که در آن، صورت‌بندی اجتماعی، فرایندهای تخصیص قدرت و منابع (مانند مالیات، بودجه، نهادهای مالی و شرکت‌های چندملیتی) صورت می‌گیرد؛ سطح سوم، که بر فعالیت‌های تصمیم‌گیران کلیدی تمرکز دارد و ممکن است در یک موقعیت واسطه‌ای در سیستم توزیع منابع، اعمال قدرت نماید (مانند مدیران شهری، نهادهای ساخت و ساز، اداره‌های مسکن محلی)؛ و سطح چهارم، که بر برآیندهای اجتماعی-فضایی فرایندهای ساختاری (نظیر مصرف) و مسائل اجتماعی تمرکز دارد.

محور هشتم، «نقش دولت» است. پارامترهای ساختاری که فعالیت‌های افراد یا گروه‌های موجود در شهر را محدود می‌کند، می‌تواند توسط دولت ایجاد و یا اعمال شود. در این زمینه، رویکردهای متفاوتی به نقش یا کارکرد دولت وجود دارد، از جمله دولت به عنوان فراهم‌کننده محیطی مناسب برای سرمایه‌گذاری (کارکرد انباشتگی)؛ دولت به عنوان ارتقاءدهنده حمایت جمعی برای سیستم حاکم (کارکرد مشروعیتی)؛ و در نهایت، حفظ نظم اجتماعی (کارکرد تنظیمی). برای جغرافیدانان شهری کاربردی، آنچه از اهمیتی ویژه برخوردار است، شکل روابط بین دولت مرکزی و دولت‌های محلی و منطقه‌ای است که در قالب انواع مختلف نظام‌های مدیریت، برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری به اجرا گذاشته می‌شود.

حال، با توجه به این پیش‌گفتار می‌توان گفت، شرحی که از جغرافیای شهری کاربردی در این جلد آورده شده، به طور کلی مبتنی بر چند پیش‌انگاره اصلی است؛ پژوهش عاری از ارزش‌گذاری، خنثی و بی‌طرف، یک افسانه است، زیرا چه ما نسبت به ارزش‌ها و هنجارها آگاه باشیم چه نباشیم، آنها بر انتخاب موضوع پژوهش، شیوه تحلیل و رسیدن به نتایج اثر می‌گذارند؛ دغدغه‌ها و مسائلی که در جغرافیای شهری کاربردی دنبال می‌شود می‌تواند با توجه به بستر و زمینه‌ای که در آن فعالیت می‌کند متفاوت باشد؛ گرچه یک دانش ممکن است به شکلی بد مورد استفاده قرار بگیرد، اما این امر لزوماً نمی‌تواند به معنای تضعیف اعتبار یک پژوهش شهری کاربردی باشد؛ با

آنکه مفهوم «شهری» ممکن است از برخی جنبه‌ها دارای اهمیتی محدود در ساخت نظریه اجتماعی باشد، اما مفهوم «مکان شهری» همچنان یک ابژه تحلیل متمایز، اعتبار و اهمیت خاص خود را دارد؛ ارزش دیدگاه فضایی در بررسی مسائل شهری معاصر بیش از پیش (به‌ویژه پس از وقوع «چرخش فضایی» در علوم انسانی و اجتماعی) مورد تأکید قرار گرفته است؛ جغرافیای شهری کاربردی یک زمینه تجربی و عملی همراه با پیوندهای روشن با برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری و تمرکز بر مسائل و مشکلات دنیای واقعی است؛ جغرافیای شهری کاربردی در میانه‌ی شیوه‌های تبیین کلیت‌گرا (جبر ساختاری) و فردگرا (اراده‌گرایی فردی) عمل می‌کند؛ جغرافیدان شهری کاربردگرا به عنوان یک تحلیل‌گر مسأله و سیاست‌گذار، باید به پژوهش در مقیاس محلی اهمیت داده و پیوندهای سازمانی و کارکردی بین سطوح ملی، منطقه‌ای و محلی حاکمیت را در نظر بگیرد؛ در جغرافیای شهری کاربردی استفاده از مناسب‌ترین واحد تحلیل، سطح تحلیل و یا مقیاس تحلیل در پژوهش اهمیت اساسی دارد؛ در عین حال که هر یک از رویکردهای فکری یا نظری در جغرافیای شهری از نظر فلسفی دارای جنبه‌های هستی‌شناسی و شناخت‌شناسی خاص خودشان هستند، اما جنبه‌های روش‌شناسی (مانند روش‌ها و تکنیک‌های کمی) ممکن است محدود به یک نظریه خاص نباشد؛ و در پایان، موضوع پیچیدگی دنیای واقعی شهر است که جنبه‌هایی از آن توسط علوم مختلف مورد مطالعه و دست‌کاری قرار می‌گیرد، و فرم‌ها، فرایندها و مسائل شهری که جغرافیدانان شهری کاربردی با آن سروکار دارند، اغلب در ارتباط و تعامل دانشی و علمی با سایر علوم معطوف به شهر قرار دارد.

در این جلد، ضمن مروری کوتاه بر پیش‌زمینه‌های شکل‌گیری و چارچوب‌بندی کلی جغرافیای شهری کاربردی، مهم‌ترین زمینه‌های کاربردی مطالعات جغرافیایی به تفکیک مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته است. از جمله کاربردهای جغرافیای شهری که در اینجا به آنها پرداخته شده، شامل برنامه‌ریزی شهری، برنامه‌ریزی منطقه‌ای، برنامه‌ریزی شهرک‌های جدید، برنامه‌ریزی فضایی، برنامه‌ریزی کاربری زمین، برنامه‌ریزی محیطی، برنامه‌ریزی مخاطرات محیطی، مدیریت شهری، مدیریت رشد شهری، حکمروایی شهری و سیاست شهری است. در پایان نیز به برخی از مهم‌ترین ابزارهای برنامه‌ریزی، مدیریتی و سیاست‌گذاری در جغرافیای شهری اشاره شده است.